

# پژوهش‌نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شماره ۳۴، بهار و تابستان ۱۴۰۳

No. 34, Spring & Summer 2024

صص ۲۴-۵ (مقاله پژوهشی)

## واکاوی مولفه‌های مناظره حقیقت محور با مخالفان از دیدگاه امام رضا (علیه السلام)

مgettibی مرادی مکی<sup>۱</sup>، مهدی فرمانیان<sup>۲</sup>، محمدجواد حاجی ابوالقاسمی دولابی<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۹/۲۷ – تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰)

### چکیده

مناظره به عنوان یکی از شیوه‌های مرسوم و کارآمد در مواجهه با مخالفان محسوب شده که با اهداف متفاوتی همچون پیروزی بر رقیب و برتری جویی یا تبیین حقیقت صورت می‌گیرد و در فرهنگ اسلامی نیز دارای پیشینه کهن و درخشانی است. در این میان امام رضا علیه السلام مناظرات فراوانی با پیروان ادیان و مذاهب به هدف تبیین حقیقت داشته‌اند. از نظر ایشان، مناظره به هدف حقیقت‌طلبی دارای مولفه‌های ویژه و برجسته‌ای است. بر این اساس پژوهش پیش رو با روش توصیفی تحلیلی، به بررسی مناظرات امام رضا علیه السلام با مخالفان خود پرداخته است و می‌کوشد به تبیین مهم‌ترین مولفه‌های مناظره حقیقت محور، از دیدگاه امام رضا علیه السلام پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، این نوع مناظره از دیدگاه امام رضا علیه السلام دارای چندین مؤلفه مهم از قبیل: «سلط به مفاهیم و مبانی مخالفان»، «استفاده از عقل به عنوان فصل مشترک»، «رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی»، «مستندگویی و ارجاع به منابع مورد قبول»، «توجه به اصول مسلم و مشترک»، «فرصت اظهارنظر به رقیب» و «معن از تکفیر مخالف» می‌باشد. بدینهی است توجه به این مولفه‌ها در مناظره، می‌تواند الگوی مطلوب و اسلامی را از مناظره دینی برای هر عصری ترسیم نموده که ترویج این الگو نقش موثری در دفاع از معارف اهل بیت علیه السلام و شبهه‌زدایی از آنها خواهد داشت.

کلید واژه‌ها: مناظرات رضوی، حقیقت محوری، مناظره، امام رضا علیه السلام، مخالفان.

- 
۱. دانش پژوه سطح چهار رشته تخصصی کلام مقارن مدرسه علمیه عالی نواب؛ دانش آموخته دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)؛  
moradimaki1393@gmail.com
  ۲. استاد دانشکده مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران؛  
m.farmanianchmail.ir
  ۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران؛  
Sh.javadabolghasem@gmail.com

## بیان مسائله

از دیرباز برپایی مناظره در تاریخ و فرهنگ بشری با اهداف مختلفی صورت پذیرفته است؛ برخی از متفکران همچون شوینهاور هدف از مناظره را برتری جویی و پیروزی بر طرف مقابل قرار داده‌اند و برای دست یافتن به این هدف، استفاده از هر ابزاری را روا دانسته‌اند، این در حالی است که امام رضا<sup>علیه السلام</sup> هدف از مناظره را بیان حقیقت و جستجوی آن دانسته و در مناظرات خود همواره به بیان حقایق اهتمام داشته‌اند بطوری که مناظره‌ای را که به دنبال کسب حقیقت نباشد کنار گذاشته و انجام نداده‌اند.

بر این اساس، پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی به بررسی مناظرات امام رضا<sup>علیه السلام</sup> با مخالفان خود پرداخته است و می‌کوشد به این سوال پاسخ دهد که براساس مناظرات رضوی، مهم‌ترین مؤلفه‌های مناظره حقیقت محور از نگاه آن حضرت چیست؟ روشن است که پاسخ به این سؤال و پرسش‌های مشابه، نیازمند بازخوانی مناظرات رضوی است که نویسنده می‌کوشد در این نوشتار با تحلیل آنها مؤلفه‌های این نوع از مناظره را از دیدگاه آن حضرت تبیین نماید.

### ۱- مقدمه

اسلام بیش از هر دینی، به «مناظره» به عنوان یک اصل در جهت آگاه‌سازی مسلمانان از حقایق دینی و دفاع از حقانیت یک اندیشه و نقد سالم طرف مقابل، اهتمام ورزیده و با تعابیری همچون: جدال احسن (التحل، ۱۲۵) و بشارت به استماع سخن و پیروی از نیکوترین آنها (الزمر، ۱۷ و ۱۸)<sup>۱</sup> به آن سفارش کرده است. امام رضا<sup>علیه السلام</sup> با رویکرد حقیقت محوری و اثبات حقانیت خود، مناظرات فراوانی با پیروان ادیان و مذاهب مختلف؛ همچون عمران صابی، جاثلیق، هیربد اکبر، رأس الجالوت، «ابوقره»، «یحیی بن ضحاک سمرقندی»

---

۱. «فَبَشِّرْ عِبَادِِ الَّذِينَ يَسْتَعِنُونَ اللَّهُ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَةَ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ».

و «سلیمان مروزی» داشته‌اند (طبرسی، ۳۶۷-۲۰۰/۲) این در حالی است که یکی از متفکران غربی بنام شوپنهاور با ارائه الگویی متفاوت هدف از مناظره را برتری جویی دانسته است و مولفه‌های مختلفی را جهت پیروزی در مناظره تعلیم می‌دهد؛ برخی از مولفه‌های مناظراتی او عبارتند از: «به مقدمات کاذب متوصل شو»، «چیزی را که باید به اثبات برسد، مسلم فرض کن»؛ «با سؤال پیچ کردن، اقرار بگیر»؛ «خصمت را عصبانی کن»؛ «سؤال‌های انحرافی مطرح کن»؛ «حرفش را قطع کن»؛ «او را وادار به اغراق کن»؛ «قیاس نادرستی مطرح کن»؛ «مثال نقض را پیدا کن»؛ «حضور را مقاعده کن، نه خصم را»؛ «مسیر بحث را عوض کن»؛ «به جای دلیل، به مرجع متوصل شو»؛ و «به بحث جنبه شخصی بدء، توهین و بددهنی کن» (شوپنهاور، ۱۱۷-۴۰) بر این اساس نویسنده به واکاوی مهم‌ترین مولفه‌های مناظره حقیقت محور پرداخته است.

ناگفته نماند بررسی و تحلیل مناظرات آن حضرت با مخالفان و تبیین مولفه‌های این نوع از مناظره به هدف ارائه الگوی صحیح و کاربردی از مناظره دینی و رد الگوی‌های مخالف و متضاد با مضامین و معارف اسلامی امری ضروری به نظر می‌رسد؛ چرا که روش فکری و عملی امامان معصوم روش معیار است و سایر روش‌ها را باید با آن سنجید؛ چون تقل قرآن (دلیلی، ۱۳۱/۱)<sup>۱</sup> و کشتی نجات امت از طوفان گمراهی هستند. (مجلسی، ۲۶۴/۲۳)<sup>۲</sup> البته هر یک از این مؤلفه‌ها زیرشاخه‌ها و مصادیق فراوانی دارد که از حد و حوصله این مقاله خارج است. در این مقاله تنها به ذکر مؤلفه اصلی پرداخته خواهد شد. باشد که در پژوهش‌ها و مقالات بعدی هر یک از این مؤلفه‌ها به صورت جداگانه مورد موشکافی، توضیح و تفسیر بیشتر قرار گیرد.

## ۱-۲. پیشینه تحقیق

پژوهشگران بسیاری پیرامون مناظرات رضوی قلم زده‌اند و مناظرات آن حضرت را از

۱. «إِنَّى تَارِكٌ فِيْكُمُ الْتَّقَلِيلَنِ مَا إِنْ تَمَسَّكُتُمْ بِهِمَا لَنْ تَبْلُوَنِي بِغَلِيْقِ كِتَابِ اللَّهِ وَعِنْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي». ۲. «مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَقِيَّةِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَّا وَمَنْ تَحَلَّفَ عَنْهَا غَرَقَ».

زوایای گوناگونی کاویده و آثار متفاوتی عرضه نموده‌اند؛ برخی به سبک‌شناسی و بررسی محتوایی آنها پرداخته‌اند (خزعلی، انصاری‌نیا، ۱۰۴-۷۳)؛ (مصطفی‌پور، سلیمانی، ۱۱۵-۸) و برخی به بیان اصول علمی و اخلاقی مناظرات ایشان پرداخته‌اند. (رضازاده کهنگی، فارسی‌نژاد، ۵۸-۳۷) برخی دیگر نیز به نقش آنها در عصر حاضر توجه نموده‌اند؛ (اکبری، احمدی‌نژاد و دیگران، ۹-۳۷)؛ (طهماسبی بلجاجی، مرتضوی، ۱۳۵-۱۶۱)؛ (اسماعیل‌زاده، شبان‌زاده، ۱۶۵-۱۹۱)

وجه تمایز اثر پیشرو با آثار مذکور اینست که هیچکدام از آثار مذکور به رویکرد حقیقت محوری امام رضا<sup>ع</sup> و تبیین مولفه‌های این نوع از مناظره در مقابل الگوی‌های رقیب و متضاد نپرداخته‌اند. بر این اساس، نوآوری اثر حاضر در تأکید بر استخراج شیوه و الگوی مناسب و کاربردی برای مناظرات دینی براساس مناظرات امام رضا<sup>ع</sup> است و نشان می‌دهد که امام رضا<sup>ع</sup> در مناظرات خود به دنبال حقیقت محوری بوده‌اند نه برتری جویی و برای تحقق این هدف، از مولفه‌های متفاوتی بهره برده‌اند؛ از این‌رو، اثر حاضر را می‌توان رویکردی نوآورانه به مناظرات رضوی دانست که نویسنده با هدف ارائه الگوی کاربردی از مناظرات رضوی، به نقد الگوهای متضاد و رقیب برتری جویانه می‌پردازد.

## ۲- مفهوم شناسی مناظره

مناظره از ریشه «نظر» و در لغت به دو معنای «دیدن» به چشم و «توجه داشتن» (نوعی درک و فهم درونی) آمده است. (فراهیدی، ۱۵۴/۸)؛ (ابن منظور، ۲۱۵/۵)؛ (قرشی، ۸۱/۷) ابن فارس این واژه را دارای یک اصل صحیح به معنای تأمل در چیزی همراه با مشاهده و معاينه دانسته و سایر معانی را به این معنا برمی‌گرداند. (ابن فارس، ۱۴۴۵/۵)<sup>۱</sup>

مناظره در اصطلاح عبارتست از گفتگو و اظهارنظر آگاهانه دو نفر نسبت به مسائل و موضوعاتی، جهت دست یافتن به حق و صواب. (جرجانی، ۱۰۳) متكلمان و منطق‌دانان نیز مناظره را گفتگو دوچانبه و رودررو به هدف ایجاد علم در طرف مقابل و کشف حق

---

۱. نظرَ (الْتُّونُ وَالظَّاءُ وَالرَّاءُ) أَصْلٌ صَحِيفٌ يَرْجُعُ فُرُوعُهُ إِلَى مَعْنَى وَاحِدٍ وَهُوَ تَأْمُلُ الشَّيْءِ وَمَعَانِيَتُهُ، ثُمَّ يُسْتَعَارُ وَيُشَكَّرُ فِيهِ. فَيَقَالُ: نَظَرْتُ إِلَى الشَّيْءِ أَنْظَرُ إِلَيْهِ، إِذَا عَانِيَتُهُ.

می‌دانند. (طوسی، ۱۳۶۱، ۲۲/۶)<sup>۱</sup> (ابن سینا، ۴۴۸)<sup>۲</sup> این در حالی است که واژه جدل، جدال و مجادله از ریشه «جدل» گرفته شده و در لغت دارای معانی متعددی همچون؛ به شدت تاباندن و بافتن ریسمان (زمختری، ۸۵)، به زمین زدن طرف مقابل (همان، ۸۵)، محکم و نیرومند شدن (فیروزآبادی، ۴۷۴/۳) مقابله دلیل با دلیل (ابن اثیر، ۲۴۸/۱)، سرسختی در مخاصمه (ابن منظور، ۱۰۵/۱۱) آمده است که به گفته ابن فارس، معنای مشترک تمام معانی لغوی، استواری یک چیز است و معانی دیگر به آن برمی‌گردد. (ابن فارس، ۳۳۴/۱)<sup>۳</sup> و در اصطلاح نیز عبارتست از رویارویی جهت اسکات خصم چنان که جرجانی می‌نویسد: «جدل، رفع فساد از سخن خصم است با دلیل یا شبهه، و یا قصد تصحیح سخن وی است که در حقیقت همان خصومت است». (جرجانی، ۱۰۱/۱)

بر این اساس بین مناظره و مجادله تفاوت معنایی وجود دارد؛ زیرا هدف از مناظره بیان گزاره و مدعای همراه با استدلال جهت کشف حقیقت است (طوسی، ۱۳۶۱) اما مجادله فرایندی ستیزه جویانه و نفی‌گرا می‌باشد و هدف از آن الزام خصم است؛ چه به امر حق و چه به امر باطل (تهانوی، ۲۳۲/۱) (غزالی، ۱۱۴/۱) و بین مصاديق این دو از نظر هدف رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار است.<sup>۴</sup> بنابراین، می‌توان گفت مهم‌ترین فرق بین

۱. چنانکه خواجه نصیرالدین طوسی، می‌نویسد: «مناظره میان دو صاحب رأی متقابل است، که هر یک متنکفل بیان رأی خود باشند، به شرط آن که هر دو، بعد از وضوح، مساعدت حق کنند؛ و مباحثه کشف امر مبهمی به طریق تعاون و همکاری است.»

۲. ابن سینا می‌نویسد: «کلمه مناظره از ریشه نظر و اعتیار گرفته شده و غرض از آن مباحثه بیرامون و رأی متقابل است و هر یک از طرفین مناظره در صدد تأیید یکی، از دو جانب بحث برای ایجاد علم در طرف مقابل است لذا مناظره به آموزش ملحق می‌شود زیرا هدف مناظره کنندگان، حصول علم است.»

۳. «الجدل: الجيم و الدال و اللام اصل واحد وهو من باب استحکام الشيء في استرسال يكون فيه و امتداد الخصومة و مراجعة الكلام»

۴. یعنی جدل و مناظره دو ماده افتراء و یک ماده اشتراک دارند، بدین صورت که:  
الف. برخی مصاديق هم مناظره است و هم مجادله یعنی هم در آن اثبات حقیقت است و هم الزام مخالف مانند فرض

الزام طرف مقابل به حقیقت (ماده اشتراک مناظره و جدل).

ب. برخی از مصاديق، مجادله هستند؛ زیرا به دنبال الزام طرف مقابل است؛ اما مناظره نیستند زیرا به دنبال حقیقت نیستند بلکه برای نابودی حق هستند (غافر، ۵) (ماده افتراء از طرف مجادله)

ج. برخی از مصاديق مناظره‌اند؛ زیرا به دنبال کشف حقیقت هستند اما مجادله نیستند زیرا به هدف الزام خصم نیستند.  
(ماده افتراء از جانب مناظره)

مناظره و مجادله به عنصر حقیقت محوری برمی‌گردد<sup>۱</sup> و این تفاوت موجبات تفاوت‌های دیگری را نیز همچون عالمانه بودن مناظره و اخلاق مدار بودن آن فراهم آورده است (طوسی، ۴۴۰/۶) (طباطبائی، ۱۳۸/۱۶)

### ۳- مؤلفه‌ها

برخی از مؤلفه‌های مناظرات حقیقت محور عبارتند از:

#### ۳-۱. تسلط به مفاهیم و مبانی مخالفان

اولین مولفه مناظره حقیقت محور، بر اساس مناظرات حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup>، داشتن اطلاعات کافی و تخصص نسبت به مفاهیم و مبانی فکری طرف مقابل است پیرامون موضوع خاص مورد بحث است؛ چنانکه امام رضا<sup>علیه السلام</sup> در مناظرات خویش با هر گروهی با استناد به کتابهای آن گروه به مناظره می‌پرداخت و آنها را مجاب می‌کرد؛ به عنوان نمونه آن حضرت در مناظره با رأس الجالوت فرمود: «تو هیچ دلیلی از من نپذیر مگر دلیلی که در تورات به زبان موسی بن عمران، و در انجیل به زبان عیسی بن مریم و در زبور به زبان داود نقل شده باشد». (مجلسی، ۱۷۶/۴۹)

نمونه دیگر که افزون بر علم و آگاهی مناظره گر، لزوم شناخت کامل نسبت به مبانی مخالفان و جامعیت علمی مناظره‌گر را ثابت می‌کند اینست که مردی خدمت حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> رسید از پشت نهر بلخ گفت من یک سؤال از شما می‌کنم اگر جوابش را آن‌طور که من می‌دانم دادی قاتل به امامت شما می‌شوم. حضرت رضا فرمود: «سَلِّعَمًا شِئْتُ هر چه مایلی سؤال کن...»<sup>۲</sup> (مجلسی، ۱۰۵/۴۹) و در جایی دیگر نیز فرمودند «فَإِنَّمَا جَعَتُكُمْ لِتَسْأَلُوا عَمَّا شِئْتُمْ ... فَهَلْمُوا مُسَائِلَكُمْ؛ من شماها را در این مجلس جمع کردم

۱. مناظره کننده به دنبال کشف حقیقت و نصرت حق است با حجت و دلیل (طوسی، بی‌تا، ۴۴۰/۶) اما مجادله کننده به دنبال برتری جویی و غلبه است حتی بدون دلیل و با استفاده از ابزار باطل. (طوسی، ۱۳۶۱، ۴۴۷)

۲. جاءَ رَجُلٌ إِلَيْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا مِنْ وَرَاءِ نَهْرٍ بَلْخَ قَالَ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ مَسَالَةٍ فَإِنْ أَجْبَنِتِي فِيهَا بِمَا عِنْدِي قُلْتُ يَإِمَّتِكَ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ<sup>علیه السلام</sup>...

از هرچه دوست دارید پرسید...» (مجلسی، ۷۴/۵۰) روش است که مناظره‌گر وقتی جامعیت علمی دارد و شناخت نسبت به مبانی طرف مقابل دارد می‌تواند با اعتماد به نفس کامل پاسخ دهد و پاسخ‌های دقیق و کافی ارائه نماید. با دقت در مناظرات امام رضا<sup>علیه السلام</sup> با مخالفان می‌توان سه خصوصیت مهم برای مناظره‌کننده را استخراج کرد:

۱. مهارت‌های علمی و فکری مانند قدرت بر اقامه حجت و برهان، احاطه بر موضوع مورد مناقشه، آشنایی با منابع مورد قبول طرف مقابل؛ چنانکه خود حضرت از این مهارت‌ها بهره برده‌اند.
  ۲. مهارت‌های اخلاقی مانند نیکو سخن گفتن، پرهیز از تحقیر، پرهیز از توهین، سعه صدر و احترام به نظرات مختلف
  ۳. مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی همچون مردمداری، مهارت ارتباط، مخاطب‌شناسی
- و ...

بر این اساس در عصر حاضر که می‌توان آن را عصر شباهات نامید، و شباهات فراوانی در زمینه مسائل دینی در رسانه‌ها ماهواره‌ای و غیر ماهواره‌ای طرح می‌شود، مناظره باید در سطح دانشمندان و متخصصانی که افزون بر تسلط علمی و پایبندی به اصول اخلاقی با مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی آشنایی دارند صورت گیرد؛ زیرا ورود افراد فاقد صلاحیت لازم افزون بر اینکه خطر بزرگی برای جهان اسلام بهشمار می‌آید موجب دورشدن طرفین از حقیقت می‌شود و احتمال دارد در صورت شکست طرف حق، افراد زیادی از پیروان حق در مذهب و عقاید خود متزلزل شوند.

### ۳-۲. استفاده از عقل به عنوان فصل مشترک

بهره‌گیری از براهین عقلی و منطقی<sup>۱</sup> مناظره‌کنندگان، در کشف حقیقت نقش بسیار مهمی دارد؛ زیرا هر فرد با اعتقاد به حقانیت خود، وارد مناظره می‌شود و می‌خواهد در خصوص

۱. نک: حلی، الجوهر النضيد: ص ۱۱۹ «قياس مؤلف من يقينيات يُنتَج يقينياً بالذات اخطراراً».

حقیقت روشنگری نماید باید برای اثبات مدعای خود مستندات و ادله‌ای توجیه‌ناپذیر مطابق با فطرت طرف مقابل ارائه نماید. امام رضا<sup>علیه السلام</sup> در مناظرات خود با پیروان ادیان و مذاهب همواره از قواعد عقلی و منطقی به عنوان فصل مشترک بهره برده‌اند. به عنوان نمونه هنگامی که سلیمان مروزی قائل به عینیت و غیریت اراده با ذات خداوند شد و گفت: «فَإِنَّمَا قَوْلِي إِنَّ الْإِرَادَةَ لَيْسَتْ هُوَ وَ لَا غَيْرُهُ، ارَادَهُ خَدَاوَنْدُ عَيْنَ ذَاتِ خَدَاوَنْدِ نِيَسْتَ، وَلِي چیزی غیر از او هم نیست» (ابن‌بابویه، بی‌تا، ۴۵۳) امام پاسخ دادند: «یا جاہلُ، إِذَا قُلْتَ لَيْسَتْ هُوَ فَقَدْ جَعَلْتَهَا غَيْرَهُ، وَ إِذَا قُلْتَ لَيْسَتْ هِيَ غَيْرَهُ فَقَدْ جَعَلْتَهَا هُوَ؛ ای جاہل، هنگامی که می‌گویی اراده خداوند عین ذات او نیست، باید چیزی غیر از او باشد و هنگامی که می‌گویی اراده چیزی غیر از ذات خداوند است، باید عین ذات او باشد.» (ابن‌بابویه، بی‌تا، ۴۵۳) (طبرسی، ۳۶۷/۲) در این بحث امام به تناقض که یکی از مفاهیم منطقی است توجه نموده اند چنانکه آیت الله جوادی در توضیح می‌نویسد: «در این بحث امام به سلیمان مروزی نقیض بودن «عینیت» و «غیریت» را متذکر می‌شود که رفع هر دو از یک موضوع شدنی نیست. زیرا اگر موجودی عین موجود دیگر نباشد، ناچار باید غیر آن باشد و نیز اگر موجودی غیر موجود دیگر نباشد، ناچار باید عین آن موجود باشد. اگر هر دو طرف (عینیت و غیریت) را با هم سلب کنیم، در حقیقت هر دو طرف نقیض را رفع کرده‌ایم، با آنکه رفع دو طرف نقیض محال است، همان‌گونه که جمع آن دو با یکدیگر نیز ممتنع است». (جوادی آملی، ۶)

نمونه دیگر اینکه امام در مناظره با جاثلیق از برهان خلف بهره گرفته‌اند و برای رد خدایی حضرت عیسی خطاب به جاثلیق می‌فرمایند: «ای مسیحی نسبت به عیسای شما ایرادی نداریم به جز ضعف و ناتوانی و کمی نماز و روزه» جاثلیق پاسخ می‌دهد، عیسی حتی یک روز را بدون روزه نگذراند و حتی یک شب نخوابید، همیشه روزها روزده بود و شب‌ها شب زنده‌دار و بعد امام<sup>علیه السلام</sup> از او می‌پرسند: برای تقرب به چه کسی روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند؟» (ابن‌بابویه، ۱۳۸۷ق، ۱/۱۵۹ و مجلسی، ۱/۳۰۳) در این مناظره فرض

اولیه که مورد قبول جاثلیق بود خدایی حضرت عیسی بود و امام در پایان بحث خلاف فرض او را اثبات نمودند.

نمونه دیگر اینکه زندیقی در خصوص وجود خداوند متعال از حضرت سوال نمود و حضرت با بیان پیچیدگی‌های وجود انسان و ناتوانی انسان از ایجاد این پیچیدگی‌ها حکم به معلوم بودن انسان می‌کنند که به علت نیازمند است و آن علت خداوند متعال است. (طبرسی، ۳۹۶/۲؛ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۱۳۲/۱) در جایی دیگر نیز که فردی از حدوث عالم سوال می‌کند با استدلال بر حدوث خود شخص، و با توجه به اینکه مرکب تابع احکام اجزاء خودش است حدوث عالم را به صورت عقلی اثبات می‌کنند. (مجلسی، ۳۶/۳) بر این اساس در مناظرات رضوی بهره‌گیری از منطق و عقلانیت بسیار پررنگ بوده و مخاطب را در موارد فراوانی به سمت حقیقت سوق داده است و در عصر حاضر، که قشر جوان مورد تهاجم شباهت واقع شده‌اند استفاده از قواعد عقلی و منطقی جهت شباهزدایی ضروری به نظر می‌رسد.

### ۳-۳. رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی

امروزه برخی از مناظره‌کنندگان به هدف برتری در مناظره با شعار «هدف وسیله را توجیه می‌کند» از مدار اخلاق و ارزش‌های اخلاقی خارج می‌شوند و چه بسا گمان می‌کنند چه اشکالی دارد برای بیان حقیقت از اصول اخلاقی خود عقب‌نشینی کرد، این در حالی است که مطالعه در مناظرات رضوی ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که آن حضرت عبور از اصول اخلاقی را منافی حقیقت دانسته اند و برای نیل طرف مقابل به حقیقت به رعایت اخلاق به عنوان یک قانون طلایی و حفظ ارزش‌های اخلاقی و انسانی اهتمام داشته‌اند؛ از این‌رو در هیچ مناظره‌ای به ناراستی و رذایل اخلاقی متول نشده‌اند؛ چنانکه ابراهیم بن عباس در روایتی گفته است: «مانند حضرت رضا (ع) ندیدم و نشنیدم و از آن جناب چیزها مشاهده کردم که در جاهای دیگر مشاهده نکردم، من او را در حالی که

شخصی را با سخن‌انش اذیت کند ندیدم، هرگز کلام کسی را قطع نمی‌کرد تا آن گاه که سخن‌ش تمام می‌شد و احتیاجات احده را در صورتی که می‌توانست انجام دهد رد نمی‌کرد و در نزد هم‌نشینانش پاهای خود را دراز نمی‌کرد. من او را هرگز در حال دشنام دادن ندیدم.» (طبرسی، ۴۸۳) اینک به برخی اصول اخلاقی که مورد توجه حضرت در مناظرات بوده اشاره می‌شود.

### ۳-۱. عدم توهین و سخن سنجیده

مناظره‌کننده باید با طرف مقابل به شیوه نیکو سخن گفته و نیکوترين سخن را بر زبان آورد. ادب به معنای نیکی در رفتار و گفتا و خوش گویی (گوهرین، ۱۲۶/۱) اقتضا می‌کند فرد در مناظره بیش از حد متعارف صدایش را بالا نبرد و به سخنان طرف مقابل گوش دهد و برخود احترام‌آمیز داشته باشد؛ زیرا برخورد غیر مودبانه پاسخ غیر مودبانه را در پی خواهد داشت؛ به عنوان نمونه امام علیه السلام در مناظره با سلیمان مروزی متکلم خراسان از خطاب یا سلیمان به هدف ایجاد صمیمت بهره می‌برند و با او آغاز به صحبت می‌کنند (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ۱۸۰/۱) و در مقابل نیز دیده می‌شود او نیز از عبارت (جعلت فدک) استفاده می‌کند که نشانگر اثر ادب در مناظره است. (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ۱۸۴/۱)

پرهیز از توهین، فحاشی و ناسزاگویی به مخالفان حتی در فرضی که طرف مقابل شروع به ناسزاگویی نموده از سفارش‌های اکید امام رضا علیه السلام بوده است و ایشان همواره با توجه به این اصل، برخورد توهین‌آمیز با هر عقیده‌ای را محکوم کردند و از تحریک احساسات مذهبی مخالفان پرهیز داشتند؛ به عنوان نمونه در یکی از مجالس مباحثی درباره صحابه مطرح شد و شخصی به ناسزاگویی پرداخت، اما حضرت ضمن دعوت وی به آرامش در ضمن روایتی به نقل از امام صادق علیه السلام فرمودند: «خاندان محمد علیهم السلام همگی بر این باورند که باید درباره اصحاب پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم به بهترین وجه سخن گفت» (طبرسی، ۴۸۰، بنابراین، به استناد مناظرات رضوی، کسی حق ندارد از فحش و دشنام به عنوان

وسیله‌ای برای هدایتگری، روشنگری و ابراز حق بهره ببرد و مناظره مطلوب، باید عاری از دشنا� و توهین به مقدسات طرف مقابل باشد؛ زیرا ابزار باطل نه تنها موجب هدایت دیگری نمی‌شود و در نقطه مقابل سخن سنجیده و عدم توهین می‌تواند بر تاثیر هرچه بیشتر سخن در طرف مقابل و رسیدن به درک همدلانه با او، موثر باشد؛ چنانکه مناظره امام با مخالفانی همچون سلیمان مروزی، عمران صابی و... در پرتو رعایت این اصل، بسیار اثر بخش بود.

### ۳-۲-۳. عدم استفاده از دروغ و مغالطه

هرچند در مناظرات امروزی دروغ و مغالطه از جمله مهم‌ترین شکردها جهت موفقیت در مناظره تلقی می‌شود اما از این جهت دلیل قطعی بر عصمت امام رضا (ع) وجود دارد اما رسالت هدایت دیگران را بر عهده دارد هیچگاه از آنچه با عصمت تنافی داشته و باطل است برای هدایت دیگران بهره نبرده‌اند.

مطالعه مناظرات و سیره آن حضرت نشان می‌دهد مناظراتی که بر پایه دروغ و مغالطه انجام می‌یابد، نه تنها حقیقت را روشن نمی‌کند؛ بلکه جامعه را به تفرقه و عداوت سوق می‌دهد؛ بنابراین مناظره‌کننده باید از دروغ و نیزگ پرهیز نموده و صداقت در بحث را از اصول خود بداند؛ چرا که بدون رعایت آن مناظره علمی از مسیر حقیقت‌جویی خارج می‌شود.

بنابراین، اصل اولیه در مناظره با مخالفان، عدم بهره‌گیری از دروغ و مغالطه است؛ اما سوالی که پیش می‌آید این است که آیا امام رضا (ع) در مناظرات خود از باب مقابله به مثل از مغالطه و دروغ بهره برده‌اند؟ پاسخ اینکه بررسی بی‌طرفانه مناظرات آن حضرت با مخالفان خود، ما را به این نتیجه سوق می‌دهد که حتی در مواردی که مخالفانشان دچار مغالطه شده‌اند ایشان هیچ‌گاه در لحظه مناظره برای اثبات حق و حقیقت، به مغالطه و سفسطه بازی رو نیاورده و در برخورد با مغالطات طرف مقابل به آنها پاسخ صریح و شفاف داده و ادعای آنها را رد و مغالطه آنها را آشکار می‌کردند (رضازاده، فارسی‌زاد، ۴۶)

### ۳-۳-۳. اجتناب از تحقیر و تمسخر مخالف

امروزه تحقیر و تمسخر طرف مقابل به عنوان یک شگرد برای موفقیت در مناظره مطرح است در حالی که بر اساس جستجوی نگارنده هیچ نمونه‌ای در سیره امام رضا<ص> پیدا نشد که امام در مناظره با فرد مخالف جویای حقیقت پیروان ادیان و مذاهب، طرف مقابل را مورد تمسخر و تحقیر قرار دهند؛ بلکه همیشه در گفتگو و مناظره تأکید زیادی به تکریم طرف مقابل داشته‌اند؛ و الفاظی که موجب تمسخر و تحقیر دیگری باشد را بر زبان نیاورده‌اند بلکه در همه موارد، نقاط اشتباه و انحراف آنان را تذکر دادند.

بر این اساس، عدم بهره‌گیری از ابزار تحقیر و تمسخر، خواننده را به این نکته رهنمون می‌سازد که اصل اولیه در مناظره، عدم استفاده از این ابزار است. اما این سوال باقی است که آیا امام<ص> در مناظرات خود از باب مقابله به مثل هم از این ابزار بهره نبرده‌اند؟ پاسخ اینست که بررسی مناظرات حضرت این نتیجه را بدست می‌دهد که در مقام مقابله نیز تحقیر و تمسخر از سوی امام<ص> صورت نگرفته است؛ به عنوان نمونه وقتی جاثلیق فرصتی برای تحقیر امام پیدا می‌کند حضرت را به داشتن ضعف علمی متهم می‌کند و می‌گوید: «افسدت والله علمک و ضعفت امرک و ما کنت ظننت الا انک اعلم اهل الاسلام؛ به خدا قسم علم خود را فاسد و خود را تضعیف کردی گمان می‌کردم تو عالم‌ترین فرد در بین مسلمانان هستی.» و امام در پاسخ می‌فرمایند «و کیف ذاک؛ مگر چطور شده است؟» (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ۱۵۹/۱؛ مجلسی، ۱۰/۳۰۳)

حاصل سخن اینکه رعایت قانون طلایب اخلاق را می‌توان، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های مناظرات رضوی با مخالفان دانست که در آنها به اخلاق به عنوان بخشی از حقیقت توجه شده است. بر این اساس در عصر حاضر باید به اخلاق در مناظره ویژه‌ای داشت؛ چرا که توجه به اخلاق می‌تواند به فرهنگ سازی مناظره حقیقت محور، خداپسندانه و اخلاق‌مدار کمک شایانی نماید.

### ۳-۴. مستندگویی و ارجاع به منابع مورد قبول

یکی دیگر از مولفه‌های مناظره حقیقت محور، استناد و ارجاع به منابع مورد قبول طرف مقابل است به این معنا که چنانچه طرف مقابل مسلمان است به قران و روایات مورد قبول او استناد شود. این مولفه در مناظرات رضوی به وفور دیده می‌شود؛ به عنوان نمونه ریان بن صلت از امام رضا<sup>ع</sup> مناظره‌ای را با مأمون و علمای عراق و خراسان، در فرق بین عترت و امّت و فضیلت عترت بر امّت به بیست و سه آیه قرآنی از جمله آیه ولايت<sup>۱</sup> آیه مباھله<sup>۲</sup> استناد می‌نماید. (کلینی، ۲/۱۱۶-۱۳۰)

نمونه دیگر اینکه روزی مأمون از آن حضرت پرسید: چه دلیلی بر خلافت جدتان علی بن ابی طالب<sup>ع</sup> وجود دارد؟ امام رضا<sup>ع</sup> فرمود: آیه «أنفسنا». مأمون گفت: بلی اگر کلمه «نساءنا» در آیه وجود نداشت کلام شما صحیح بود. امام<sup>ع</sup> فرمود: بله اگر «أبنائنا» در آیه نبود، حرف شما درست بود» (مفید، ۳۸) علامه طباطبایی در توضیح مطلب می‌نویسد: «امام<sup>ع</sup> در پاسخ مأمون فرمود: «أنفسنا» یعنی خدای تعالی در این کلمه نفس علی<sup>ع</sup> را مانند نفس پیامبرش دانسته است و اما اشکالی که مأمون کرد و گفت: بلی! اگر «نساءنا» نبود، منظورش این بود که کلمه «نساء» کلمه «رجال» قرار می‌گیرد؛ لذا کلمه «نفس» مردان است؛ چون در مقابل کلمه «نساء» کلمه «رجال» قرار می‌گیرد؛ اما امام<sup>ع</sup> در پاسخ از اشکال مأمون فرمود: بلی اگر کلمه «أبنائنا» نبود، منظور آن حضرت<sup>ع</sup> این بود که وجود کلمه «أبنائنا» در آیه برخلاف مقصد تو دلالت می‌کند، برای این که اگر مراد از کلمه «نفس» مردان بود، شامل امام حسن<sup>ع</sup> و امام حسین<sup>ع</sup> و همه پسران هم می‌شد، دیگر حاجتی نبود که کلمه «أبنائنا» را بیاورد. (طباطبایی، ۲/۷۵)

همچنین ایشان در اثبات امامت امام علی<sup>ع</sup> در حدیثی مفصل به احادیث نبوی در

۱. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرُكُمْ نَظَهِيرًا».

۲. «فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَهْلَنَّا وَأَهْلَنَّا كُمْ وَنِسَاءَنَّا وَنِسَاءَنَّا وَنَفْسَنَّا وَنَفْسَكُمْ ثُمَّ تَبَهَّلْ فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ».

موضوع امامت همچون حدیث منزلت، حدیث غدیر، حدیث من مات، و حدیث اثناعشر استدلال می‌نمایند. (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ۵۴/۱)

در مواردی که طرف نیز مسلمان نبود حضرت به منابع مورد قبول او ارجاع می‌دادند به عنوان نمونه امام علیه السلام در پاسخ رأس الجالوت که درخواست اثبات نبوّت پیامبر اکرم را داشت به فرازی از تورات استناد نموده و فرمودند: «آیا میدانی که حضرت موسی علیه السلام به بنی اسرائیل وصیت کرد: پیامبری از میان برادرانتان به سوی شما خواهد آمد، او را تصدیق کنید و به سخنانش گوش فرا دهید؟» بعد از تایید این مطلب توسط رأس الجالوت حضرت فرمودند: «آیا بنی اسرائیل برادرانی غیر از بنی اسماعیل دارند؟ و آیا از میان فرزندان اسماعیل علیه السلام پیامبری جز حضرت محمد صلوات الله علیه و آله و سلم مبعوث شده است؟» (طبرسی، ۲۰۹-۲۱۳). در مناظره‌ای دیگر امام رضا علیه السلام در گفتگو با جاثلیق بزرگ مسیحیان، بشارت آمدن پیامبر اکرم علیه السلام از زبان حضرت عیسی علیه السلام در انجیل را ثابت می‌کند. (طبرسی، ۲۰۶/۲)

بر این اساس در عصر کنونی که عده‌ای به دنبال تیره و تار نشان دادن حقایق و تحریف آنها هستند، ارجاع به منابع مورد قبول طرف مقابل تاثیر شگرفی در تبیین حقایق مورد قبول طرف مقابل و اقرار گرفتن از مخالفان و در نتیجه هدایت مخالفان ایفا می‌کند.

### ۳-۵. توجه به اصول مسلم و مشترک

قرآن کریم همواره به رعایت اصول مشترک (آل عمران، ۶۴)<sup>۱</sup> تاکید نموده و از تفرقه نهی کرده است. (آل عمران، ۱۰۷)<sup>۲</sup>; به عنوان نمونه درباره گفتگو با صاحبان دیگر ادیان می‌فرماید: «وَ لَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّاَذَّلِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ؛ بِاَهْلِ كَتَابٍ جَزْ بِهِ رُوْشِي كَه از همه نیکو تر است مجادله نکنید؛ مگر کسانی از آنان که ستم کرده‌اند» (عنکبوت، ۴۶)

---

۱. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابَ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَامِيَّتَنَا وَيَبْيَكُمْ أَلَا تَعْبُدُ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلُّوْا فَقُولُوا اشْهُدُوْا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»  
۲. «وَ لَا تَكُونُوْا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوْا وَ اخْتَلَقُوْا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»

از آیه فوق چنین استفاده می‌شود که یکی از ویژگی‌های جدال احسن که هدف از آن کشف حقیقت است اینست که طرفین مناظره بر نقاط مشترک تأکید ورزند. امام رضا علیه السلام نیز به پیروی از قرآن کریم به رغم شدت اختلاف‌های فکری و عقیدتی با اصحاب ادیان و فرق مختلف، در مناظره با صاحبان ادیان و مذاهب مختلف ابتدا بر نقاط مشترک دین اسلام با آنها تأکید می‌ورزید؛ به عنوان نمونه هنگامی که جاثلیق از وی پرسید: در باره نبوت عیسی و کتابش چه عقیده‌ای داری؟ آیا منکر آن دو هستی؟ پاسخ داد: «من به نبوت عیسی و کتاب او و به آنچه امتش را بدان بشارت داده و حواریون نیز آن را پذیرفتند ایمان دارم و به هر «عیسایی»‌ای که به نبوت پیامبر اسلام و کتاب وی ایمان نداشته و امت خود را به او بشارت نداده، کافرم» (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ۱۵۹/۱؛ مجلسی، ۱۰/۳۰۳) افزون بر این، حضرت در فراوانی، در بحث با بزرگان و دانشمندان ادیان و مذاهب گوناگون، به مشترکات دینی، قرآنی، و روایی تمسک نموده‌اند و همین مساله باعث کاهش تعصبات دینی و جلوگیری از تحریک احساسات مذهبی شده و نقش به سزاگی در روشن شدن حقیقت برای مخالفان داشته است. بر این اساس در عصر کنونی، که دشمنان و مستکبران در صدد ایجاد تفرقه بین ادیان الهی و مذاهب اسلامی هستند، تأکید بر مشترکات ادیان و مذاهب به انسجام و وحدت جامعه اسلامی و پیروان ادیان، کمک شایانی خواهد کرد.

### ۳-۶. فرصت اظهار نظر به رقیب

امام رضا علیه السلام به تبعیت از قرآن کریم که اهتمام ویژه‌ای نسبت به آزادی بیان دارد (زمیر، ۱۸) همواره در مناظرات خود با مخالفان فکری، این اصل را مورد توجه قرار و همواره فرصت را در اختیار صاحبان اندیشه رقیب می‌گذشتند؛ طوری که از نظر امام علیه السلام صاحبان اندیشه رقیب، حق داشتند از روی اختیار عقیده خود را بیان و ابراز نموده و حتی در مورد عقیده خود به بحث و استدلال پردازند و مناظرات گسترده حضرت با بزرگان و پیروان ادیان و مذاهب در مسائل مختلفی همچون توحید، نبوت، امامت و... نشان از این مساله

دارد. (سبحانی، ۶۳۰) امام علیه السلام در تمامی مناظرات خود با دادن آزادی بیان به طرف مقابل و محترم شمردن عقاید وی، ضمن پذیرش عقاید صحیح طرف مقابل، به بیان دیدگاهها و نظریات خود پرداخته و از زوایای مختلف شباهات و سوال‌های مطروحه را پاسخ می‌داد؛ به عنوان نمونه حضرت در مناظره با رأس الجالوت او را در شروع سوال مخیر می‌گذارد و می‌فرماید: «تو می‌پرسی یا من از تو پرسی؟ گفت: من می‌پرسم و از تو هیچ حقی را قبول نمی‌کنم مگر این از تورات یا زبور داود علیه السلام یا از صحف ابراهیم و موسی بیاوری، حضرت می‌فرمایند: از من هیچ قبول ممکن مگر آن چه را که تورات به زبان موسی بن عمران و انجیل به زبان عیسی بن مریم و زبور به زبان داود ناطق باشد» (مجلسی، ۱۷۶/۴۹) با مطالعه بیشتر می‌توان، تحمل اختلاف‌نظرها، محترم شمردن عقیده طرف مقابل، رعایت عدالت و انصاف را از مهم‌ترین مصادیق آزاداندیشی در مناظرات رضوی بر شمرد و روشن است که رعایت این اصل در جامعه کنونی، تأثیر شگرفی در روشن شدن حقیقت و ارشاد مخالفان دارد.

### ۷-۳. منع از تکفیر مخالف

تکفیر مخالف<sup>۱</sup> از گذشته در بین افراد تندر و هر مذهب، وجود داشته است. این در حالی است که از نظر امام علیه السلام تکفیر میانهای با حقیقت ندارد و مناظره حقیقت محور، باید عاری از تکفیر باشد. براساس آموزه‌های رضوی، تکفیر نه تنها در حالت عادی، ناپسند و مذموم است؛ بلکه در این امر، مقابله به مثل هم جایز نیست؛ زیرا همه مسلمانان موظف به تبعیت از پیامبر اکرم می‌باشند و براساس سخن نبوی با شهادت به توحید خون و اموال شخص محترم خواهد شد. (ابن بابویه، بی‌تا، ۲/۶۴)

افزون بر اینکه مطالعه مناظرات رضوی این نکته بدست می‌آید که ایشان مخالفان و

۱. تکفیر در لغت به معنای پوشاندن و مخفی نگهداشت (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۱؛ راغب، ۱۴۲۷، ص ۴۳۳-۴۳۴) و در اصطلاح نسبت دادن کفر به دیگری است.

منکران امامتشان را کافر نمی‌دانستند و هیچگاه از ابزار تکفیر برای بیرون‌کردن مخالف از میدان بحث بهره نبرده‌اند؛ حتی شرایطی که این حربه از سوی مخالفانی همچون مامون عباسی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

جالب‌تر اینکه حضرت برای هدایت جریان‌های منحرف تلاش زیادی نموده و برای هدایت آنها از هیچ تلاش و کوششی دریغ نورزیده؛ برای نمونه در مواجهه با فرقه انحرافی واقفیه به نامه‌نگاری با رهبران آنها و اتمام حجت بر آنها، و پاسخگویی به شباهات آنها، تصحیح احادیث جعلی و معرفی ماهیت واقفیان پرداختند. و این تلاش‌ها سر انجام به هدایت برخی افراد همچون حسین بن بشار منجر شد. (طوسی، ۱۴۰۴، ۷۴۷/۲) (صفری فروشانی و بختیاری، ۸۰) لازم به ذکر است در برخی موارد امام پس از اتمام حجت به تحریم اقتصادی و لعن و نفرین واقفیان پرداخته‌اند که این مساله در مناظرات و مکاتبات حضرت با مخالفان صورت نگرفته و به نظر می‌رسد به جهت جلوگیری از گمراهی دیگران بوده است و شدت عمل امام متناسب با شدت عمل واقفیان بوده است؛ زیرا آنها اصل تشیع امامی و آموزه مهدویت را هدف قرار داده بودند. (صفری فروشانی، بختیاری، ۹۰) ناگفته نماند با توجه به اینکه امروزه مسئله تکفیر مخالف به یکی از آسیب‌های چشمگیر در مناظرات تبدیل شده است و موجب سرد شدن فضای گفتگو و مناظره شده است به کاربستن این مولفه در مناظرات امروزی می‌تواند موجب رونق کرسی‌های بحث و آزاداندیشی بین پیروان ادیان و مذاهب گردد.

## نتایج مقاله

از مجموع آنچه گفته شد، می‌توان این طور نتیجه گرفت که هر چند آموزه مناظره امروزه دچار آسیب‌هایی شده است اما راه بروان رفت از آسیب‌های امروزی مناظرات، ترویج الگوی مناظره با رویکرد حقیقت محوری است نه رویکرد برتری جویانه و بدیهی است چنانچه مناظره با رویکرد حقیقت محوری و برآمده از سیره حضرت رضا علیه السلام صورت‌گیری می‌تواند

نقش بسزایی در عصر حاضر داشته باشند. با مؤلفه‌های هفتگانه زیر:

۱. تسلط به مفاهیم و مبانی مخالفان: با نگاهی به مناظرات آن حضرت، نقش موثر علم و تخصص در مناظره به خوبی مشاهده می‌شود چرا که یک عالم متخصص می‌تواند تهدیدات طرف مقابل را به فرصت تبدیل نماید.
۲. استفاده از عقل به عنوان فصل مشترک همه افراد؛ امام رضا<sup>ع</sup> همواره از برآهین عقلی در مناظرات خود بهره برده‌اند.
۳. رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی: وجود چنین مؤلفه‌ای در مناظره ایشان با سلیمان مروزی، عمران صابی، راس الجالوت به خوبی قابل مشاهده است.
۴. مستند گویی و ارجاع به منابع مورد قبول: مطالعه در مناظرات رضوی نشان می‌دهد امام برای تبیین حقایق، گاهی به منابع مورد قبول طرفین استناد نموده‌اند.
۵. توجه به اصول مسلم و مشترک: امام رضا<sup>ع</sup> همواره به اصول مشترک در مناظرات خود توجه و اهتمام داشتند.
۶. فرصت اظهار نظر به رقیب: همه افراد در حضور امام حق داشتند که نظرات خود را در تمامی حوزه‌ها بیان نمایند و امام فرصت بیان عقاید را از مخالفان خود سلب نکرده‌اند.
۷. منع از تکفیر مخالف: امام هیچگاه از ابزار تکفیر برای خارج کردن مخالفان از میدان بحث، بهره نبرده‌اند و تنها در مواردی به خاطر بیان خطر اندیشه واقفیه از لعن و نفرین بهره برده‌اند.

## کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الاثر، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، امالی، تهران، کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ش.
۴. همو، التوحید، قم، جامعه مدرسین، بی‌تا.
۵. همو، عيون أخبار الرضا، اول، بیروت، الأعلمی، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن سینا، حسین، الشفاء، قم، منشورات کتابخانه آیت الله مرعشی ۱۴۰۴ق.
۷. ابن فارس، احمد بن فارس بن ذکریا، معجم مقاییس اللغه. تحقیق: عبدالسلام محمد هارون. قم، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی ۱۳۹۴ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تصحیح: جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۹. اسماعیلزاده، یاسر، شبانزاده، فهیمه، نگرشی به وحدت و تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا (ع). فرهنگ رضوی، ۴ (ش ۱۴۹۵)ش.
۱۰. اکبری، مرتضی، احمدی نژاد، فریبرز و دیگران، واکاوی آداب مناظره با تکیه بر فرهنگ رضوی و بکارگیری آن در کرسی‌های آزاد اندیشی در دنیای امروز. فرهنگ رضوی، ۹ (ش ۱۴۰۰)ش.
۱۱. تهانوی، محمد بن علی، کشف الاصطلاحات و الفتوح. بیروت، دارالكتب العلمیه، ۱۴۷۷ق.
۱۲. جرجانی، علی بن محمد، التعربات، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۰ش.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، "فضیلت عقل از منظر امام رضا (ع)" مجله الکترونیکی اسراء، ش ۶، بی‌تا.
۱۴. جوینی، عبدالملک بن عبدالله، الکافیه فی الجدل، بیروت، دارالكتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف، جوهرالتضیید، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۶۳ق.
۱۶. خزعلی، ائیسه، انصاری نیا، رزی، تحلیل گفتمان ادیان در مناظره امام رضا با علمای مسیح و یهود. فرهنگ رضوی، ۵ (ش ۱۳۹۶)، ۱۹ش.
۱۷. دیلمی، محمد، ارشاد القلوب، قم، نشر آل علی (ع)، ۱۳۹۷ش.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفرادات لفاظ القرآن، قم، سلیمانزاده، ۱۴۲۷ق.
۱۹. رضازاده کهنگی، فریبا، فارسی نژاد، علیرضا، اصول علمی و اخلاقی مناظره‌های رضوی. فرهنگ رضوی، ۳ (ش ۹، ۱۳۹۴)ش.
۲۰. زمخشri، محمود بن عمر، اساس البلاغه، بیروت، دارالصادر، ۱۹۷۹م.
۲۱. سیحانی، جعفر، مناظره‌های معصومان، قم، نشر توحید، ۱۳۹۲ش.
۲۲. شیر، سید عبدالله، الجوهر التمین فی تفسیر الكتاب المبين، کویت، مکتبة الالفین، ۱۴۰۷ق.
۲۳. شوینهاور، آرتور. هنر همیشه بر حق بودن، ترجمه: عرفان ثابتی، قم، ققوس، ۱۳۹۹ش.
۲۴. صفری فروشانی، نعمت الله و بختیاری، زهراء، امام رضا (ع) و فرقه واقفیه. پژوهش‌های تاریخی، ۴ (۱۴)، ۱۳۹۱ش.
۲۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۳۵۳ش.
۲۶. طبری، أبومنصور احمد بن علی، الإحتجاج، نجف اشرف، مطابع النعمان، ۱۲۸۶.
۲۷. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرين، تصحیح: حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۲۸. طوosi، نصیر الدین، اساس الاقتباس، تصحیح مدرس رضوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ش.
۲۹. طوosi، أبوجعفر محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال (رجال الكشی)، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۴.
۳۰. همو، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربي، بی‌تا.

۳۱. طهماسبی بلداجی، اصغر، مرتضوی، سید ابراهیم، واکاوی رهاوردهای غائی مناظرات رضوی و کاربست آنها در عصر حاضر. فرهنگ رضوی، ۸ (ش ۲۹)، ۱۳۹۷.
۳۲. عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت، دار الافق الجديدة، بی تا.
۳۳. غزالی، ابوحامد، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۶ق.
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، دار الهجره، ۱۴۰۵ق.
۳۵. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ۱۴۱۰.
۳۶. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم، دار الهجره، ۱۴۱۴ق.
۳۷. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قران، تهران، دار الكتب الاسلامی، ۱۳۸۶.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب رازی، الکافی، تهران، دار الكتب الإسلامية، ۱۳۸۸.
۳۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمۃ الأطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۴۰. مصلایی بور، عباس و سلیمانی، مریم، اصول مناظره و آزاد اندیشه با تکیه بر مناظرهای امام رضا علیه السلام. فرهنگ رضوی، ۱ (ش ۳)، ۱۳۹۲.
۴۱. مظفر، محمدرضا، المنطق، قم، انتشارات دارالعلم، ۱۳۹۴.
۴۲. معنیه، محمدجواد، تفسیر کاشف، تهران، دار الكتب الاسلامیة، ۱۴۲۴ق.
۴۳. مفید، محمد بن محمد، الفضول المختار، مصحح: علی میر شریفی، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.